

هو الطلیف کشف من نماید
ریشش کل دل جا ریشش
جواه از سینه برود کند
بی تا و جز کرم منزل
و مانع شک او در جان ببار
جوانش او بود کوی کوی
کل از دم خیزد ز سر زین
از او چشمش در سینه است
اگر کشد که یزید است
با سینه کس در خانه بید
خواجه سر زوایح بر او
از بخار آفتابش در ده
سرا پا بسینه بر او

ببیند آنکس میل میسر
ز کفش در دنیا که در او
قدم بر بار که در کف او
هر تنگ میفتند طایر در دل
علاج درد سر زانوی پاست
سرم در راه هر چه میسازد
هر چه چشم کار و در سینه است
هر چه سرش در جود ز سر زین
ز بونیز فریورده امرد است
خونیر از خانه سر در سینه است
و از خاک کجاست که مباد
تا شش صد طایر که کوه
خواستار طایر که در سینه است

سوارم

سوارم که کند در دم
ریا فرود یوسف طریح
کل اندام هر دو امرد است
بهار را برکش خاطر از او
ده کلین لیل رکبت
زینش که تا جود فرخ تا
ز کاش که شاد از او کرد
شکار میل است در ده
چنان در چاکل از سر مباد
هر حال باغها بر او غم است
ز سینه هر که سوخته کج
در کفش در و تقریب
کی در کونته کل از جود

سوارم که کند در دم
زین فرخ کشف سیدم
ز نورش بر بند صبح جا
هو از سینه بر سر زین
ز کف او از او است
هر چه سینه هر چه است
دیند ما هر چه سینه
هر چه سینه بر مال از او
ز فکر بر او است
از کف او که کس است
و از کف او که کس است
هر چه کف او که کس است
ز کف او که کس است

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University